



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

### بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

بحث در فرمایشات حضرت آیت الله مکارم دام ظلّه<sup>۱</sup> بود که هشت نکته را در مورد مالکیت حکومت‌های غیرمشروع متذکر شده بودند. سه محور مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به سایر نکات می‌پردازیم:

«چهارم: البنوک المتعلقة للحكومة ايضا ليس لها مالكية (البته بر فرض اینکه شخصیت حقوقی را نفی کنیم و الا ما مالکیت آنها را قبول داریم). من جهتين: فانها ايضا من قبيل الشخصية المعنوية القانونية المنفية عندهم و من حيث اتصالها بالحكومة التي ليس لها عنوان المالكية (یعنی هم ذاتا یک امر اعتباری است و هم متصل به حکومت است که به نظر مخالفین هیچ یک مالک نمی‌شوند).»

در این نکته ایشان در مقام بیان اشکالات نظریه منکرین مالکیت شخصیت‌های حقوقی از جمله دولت، بحث اختلال در نظام اقتصادی جامعه از ناحیه نپذیرفتن مالکیت بانک‌های حکومتی را چه به لحاظ بی اعتبار بودن شخصیت حقوقی بانک بما هو بانک چه به لحاظ انتساب آن به حکومت مطرح می‌فرمایند.

گرچه این مطلب درست است که «بانک بما هو بانک» شخصیت حقوقی ندارد ولی افراد مؤسس و سهام داران مالک آن به حساب می‌آیند، بنابراین داد و ستد با بانک در واقع داد و ستد با اصحاب آن محسوب می‌شود. در مورد «حکومی بودن بانک» نیز باید گفت، اگر حکومت عادل باشد در مالکیت آن شکی نیست، ولی اگر مقصود حکومت جائز باشد، اموال این بانک یا از اموال عمومی یا از اموال مردم است که در صورت اول ولایت آن به عهده حاکم شرع است و می‌تواند تصرفات مورد نظر را امضا کند، و در صورت دوم یا اموال را مشاع می‌دانیم که افراز سهم هر شخص با اجازه حاکم شرع امکان‌پذیر است، یا اینکه اموال را مجهول المالک می‌دانیم که در اینجا نیز ولایت آن به عهده حاکم شرع است و می‌تواند تصرفات مورد نظر را امضا کند. بنابراین گرچه بانک مالکیتی ندارد ولی تصرفات مورد نظر در اموال قابل تصحیح است فلذا مشکلی از این ناحیه در نظام اقتصادی ایجاد نمی‌شود.

<sup>۱</sup> <http://eshia.ir/feqh/archive/text/makarem/feqh/۹۵/۹۵۱۰۱۳/>



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

«پنجم: الاوراق المالية ايضا لا اعتبار لها على مقتضى استنباطهم لأنّ نفسها لا قيمة لها و اما المالية الاعتبارية الحاصلة من قدرة الحكومة او من اموالها التي تكون سببا لاعتبارها (و در خزانه ی دولت است) فهو ايضا امر فرضی لا اصل له عندهم (زیرا آنها مالکیت دولت را منکر هستند).»

اشکال دیگری که ایشان مطرح می‌فرمایند این است که در صورت عدم پذیرش مالکیت دولت، پول‌هایی که توسط دولت صادر می‌شود نیز ارزش اعتباری خود را از دست می‌دهد، چراکه پشتوانه ارزشمندی آن اوراق، اعتبار دولت است در حالی که اعتبار چنین دولتی که مالک نیست، از نظر شرع کلاً اعتبار است.

ابهامی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اولاً مالیت پول (دلار، دینار، یورو و...)، یک امر حقیقی و عرفی-عقلایی است، ثانیاً این امر مبتنی بر مشروعیت یک دولت نیست، بلکه ملاک مالیت یک چیز (پول یا کالا)، مجموع رغبت مردم نسبت به آن چیز (یعنی اهتمام مردم در به دست آوردن و در اختیار گرفتن شیء) و نادر الوجود بودن یا کم در دسترس بودن آن است، به طور مثال پرتقال دارای مالیت است چراکه اولاً مردم در به دست آوردن آن به خاطر منفعتی که دارد رغبت دارند، و ثانیاً در دسترسی به آن محدودیت وجود دارد، لذا افراد حاضرند با توجه به این دو نکته برای به دست آوردن آن هزینه کنند (با فقدان هر یک از این دو نکته شیء ارزش خود را از دست می‌دهد، مثلاً هوا با اینکه مورد رغبت مردم است ولی چون در دسترسی به آن محدودیتی وجود ندارد، فاقد مالیت است یا مثلاً یک لیوان آب در کنار یک چشمه جوشان ارزش مالی ندارد ولی در یک بیابان خشک ارزش بالایی پیدا می‌کند).

توضیح آن که اوراقی که توسط دولت‌های طاغوتی صادر می‌شود از طرفی با وجود اینکه نامشروع بودن بسیاری از آن‌ها مورد توجه مردم است، مردم در به دست آوردن آن‌ها رغبت دارند (چه این اوراق را از مقوله پول بدانیم چه کالا) و از طرف دیگر در دسترسی به آن‌ها محدودیت وجود دارد، فلذا این اوراق مالیت دارد.

به عبارت دیگر آن چیزی که منشا رغبت مردم در این اوراق است، مشروعیت یک دولت نیست، بلکه قدرت (مالی، تولیدی، نظامی، سیاسی...) و سلطه خارجی آن دولت است که به او این امکان را می‌دهد که در ازای آن اوراق، خدماتی (آب، برق، بنزین، ...) را به عهده گیرد به طوری که چنین منفعتی در مردم رغبت و اهتمام ایجاد کند، بنابراین نه اعتبار یک دولت به پشتوانه قدرتی که تحت سلطه دارد امر وهمی است و نه رغبت مردم که به تبع آن به وجود می‌آید. بلکه می‌توان گفت ضرورتی ندارد که دولت به خصوصی پشتوانه این اوراق باشد تا مالیت پیدا شود بلکه اسباب مختلفی ممکن است باعث رغبت و جلب اعتماد مردم شود مانند آنچه در مورد رمز ارزها امروز شاهد آن هستیم که توسط چند نفری ابداع شده و مالیت بالایی پیدا کرده است به طوری که هر بیت کوین امروز معادل سی هزار دلار ارزش گذاری می‌شود.



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

به عبارت دیگر ادله‌ای که مقتضی عدم مالکیت شخص جائز هستند، دلالت بر عدم مالیت اوراقی که به پشتوانه قدرت حقیقی دولت (مالی، تولیدی، نظامی، سیاسی، ...) صادر می‌شود نیست (ملازمه‌ای بین این دو وجود ندارد)، و برای عدم اعتبار مالیت این اوراق در نزد شرع مانند الغای مالیت خمر نیاز به دلیل دیگری داریم. در ضمن باید توجه شود این گونه نیست که مشروعیت دریافت خدماتی که سلطان غاصب به ازای این اوراق می‌دهد، مستلزم مالک دانستن یا مشروعیت ولایت جائز باشد که سابقا گذشت.

«ششم: نفی اعتبار هذه الاوراق سببا لعدم تعلق الخمس و الاستطاعة بها و عدم صحة القرض و الرهن و اشباهها»

با توجه به توضیحی که در ضمن نکته پنجم داده شد اگر مقصود از عدم اعتبار، عدم مالیت اوراق باشد، قابل قبول نیست فلذا ربی که از تجارت با آن‌ها حاصل می‌شود، حقیقتا ربح است و تمام احکام مربوط به اموال مانند وجوب خمس، پیدایش استطاعت برای حج و ... را در به دنبال می‌آورد.

«هفتم: نفی ملكية الحكومة يوجب نفی ملكية الاشخاص لأن الأملاك غالبا تحصل من طريق دفع النقود في السوق و في جميع المعاملات (مانند خرید خانه) و هي لا تفيد ملكية شيء. نعم لو حاز شيئا من المباحات مَلِكْهَا (مانند گرفتن ماهی از دریا) و هذا قليل في مقابل ما يكون تملكه بدفع النقود»

پذیرش این نکته نیز مبتنی بر قبول نکته پنجم است (بنابراین اشکال آنجا در این نکته نیز جاری است). توضیح آنکه از آنجا که نوع اموالی که در اختیار مردم است از راه تجارت با این اوراق حاصل شده است (نه از راه‌های دیگر مانند حيازت مباحات عامه)، در صورت عدم پذیرش مالکیت دولت باید ملتزم شویم که نوع اموالی که در اختیار مردم است، به تملک آن‌ها درنیامده و از قبیل اکل مال بالباطل است (چراکه این اوراق حقیقتا از نگاه شرع مالیتی نداشته‌اند و به مالک قبلی در ازای مال دریافتی، حقیقتا مال پرداخت نشده است).

«هشتم: اکثر المعاملات المهمة تكون من طريق السكوك (چک) المشيرة الى الاوراق المالية (زیرا چک حواله به اسکناس است) التي تكون مستودعة عند البنوك (که فرد پول‌هایی در بانک دارد که بر اساس آن چک می‌کشد) و هذه كلها على قولهم مما



## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

لا اعتبار بها من جهات شتی (خود بانک، خود چک، اسکناس ها و حتی حکومت دولت همه شخصیت قانونی ندارند یعنی اینها وجودی ندارند که مالکیت داشته باشند.)»

نکته هشتمی که ایشان مطرح می فرمایند در مورد عدم اعتبار چک در صورت عدم پذیرش مالکیت دولت است. توضیح آنکه معاملاتی که از طریق چک واقع می شود از چند جهت باطل است: ۱. چک مربوط به بانک است و بانک نه بما هو بانک شخصیت حقوقی مشروعی دارد و نه از جهت انتسابش به حکومت. ۲. چک حواله بر اوراق است که اعتبار آن اوراق مبتنی بر مشروعیت شخصیت حقوقی دولت است (ر.ک. نکته پنجم).

اشکال این نکته نیز از توضیحات سابق معلوم می گردد، چراکه اولاً مالیت این اوراق چنانچه بیان شد ربطی به مالکیت شخص سلطان غاصب ندارد، و مردم به آنها رغبت دارند، ثانیاً اوراقی که در بانک هست (و چک حواله به آنها است)، در صورتی که آنها را مجهول المالک بدانیم با اجازه حاکم شرع قابل تصرف است و در صورتی که مشاع بدانیم با اجازه ایشان قابل افراز است. « و حاصل جمیع ذلک وقوع الهرج و المرج الکامل علی جمیع الانظمة الاقتصادية فی جمیع العالم و هذا مما یعباه الاسلام و احکامه و فقهاء و الله العالم »

در نهایت می فرمایند با توجه به توالی فاسد مطرح شده در ضمن نکات قبلی و اختلالی که این نکات در نظام اقتصادی جامعه پدید می آورند، به طوری که هیچ فقیهی نمی تواند ملتزم به آنها شود، باید قول به مالکیت دولت (مطلق دولت که شامل دولت جائر نیز می شود) را بپذیریم. ولی با توجه به توضیحاتی که بیان شد، روشن شد که در صورت عدم پذیرش مالکیت جائر هرج و مرجی در نظام معاملاتی لازم نمی آید.

مطالبی که از حضرت آیت الله مکارم دام ظلّه مطرح شد، از سایت ایشان است و نه کتابی از ایشان که چاپ شده باشد و ایشان این نکات را در ضمن کتاب الشرکه به مناسبت مطرح فرموده اند. ان شاء الله توفیقی شود تا سوالات مطرح شده در ضمن نکات را از ایشان بپرسیم و از محضرشان بهره ببریم.